

بسمه تعالی

جنگ احد و سیاست های رفتاری پیامبر

نگارنده: مهدی آقا زیارتی

چکیده

این غزوه یکی مهمترین جنگ های تاریخ اسلام بوده زیرا و که جنگی است که اسلام در آن شکست خورده و یک استثنا به حساب میاید فلذا یک تجربه ی تلخ اما به شدت آموزنده و دارای نکات ارزشمند و مهمی در تاریخ و روند اسلام است که در سیری که دین طی میکند میتواند بسیار تاثیرگذار باشد بالاخره از معدود غزوه هایی بوده که اسلام در آن شکست خورده است و قطعاً این شکست حکمت هایی داشته است .

درباره ی جنگ احد چندین و چند مقاله و کتاب نوشته شده که برخی از آنها بسیار مفید هستند اما کتاب سیره رسول خدا نوشته رسول نجفیان ، تاریخ تحلیلی اسلام علی اکبر حسنی ، سیره پیشوایان مهدی پیشوائی ، فراز هایی از تاریخ پیامبر اسلام جعفر سبحانی و... که کتاب تاریخی هستند اما جنگ احد را تشریح کرده و تحلیل کردند .

کلمات کلیدی : جنگ احد ، سیاست های پیامبر ، هنر ، هنر اسلامی ، حکمت در هنر

مقدمه

جنگ احد یک سال بعد از جنگ بدر در هفتم شوال سال سوم هجری با سه هزار مشرک و یک هزار نفر از مسلمانان آغاز شد . گفته اند کوه احد برای جدا بودن از کوه دیگر اطراف احد نامگذاری شده و همچنین گفته شده که پیامبر نازنین اسلام نام کوه را احد گذاشته بخاطر علاقه زیادش به توحید و اشاعه ان که در فاصله شیش کیلومتری مدینه بوده و اکنون شهر تا دامنه ان گسترش یافته است.

اما این غزوه چه اهمیتی دارد و چه نکته ای دارد که ان را اینقدر اهمیت بخشیده است ؟
قریشیان که در بدر زخم کاری خورده بودند اینبار عزم خود را جزم کردند که انتقام بگیرند ،
قبل از این هم اقداماتی صورت دادند همچو شبیه خون ابوسفیان به مدینه که نتیجه ای جز
به شهادت رساندن دو نفر و آتش زدن چند خانه نداشت ، اما اینبار متفاوت بود و قریشیان
توافق کردند که هزار شتر و پنجاه هزار دینار هزینه کنند (طبقات الکبری) قریش خود
نیروی کافی را برای مقابله با مسلمانان نداشت اما با نفوذش در قبایل دیگر توانست که
نیروی جنگی را تا سه هزار نفر برساند و همچنین رهبری را به ابوسفیان سپرد که دل پری از
اسلام و مسلمانان داشت و به دنبال انتقام بود . (المغازی) قریش از برخی از عناصر بهترین
استفاده را کرد که مردم را به شرکت در جنگ تحریک کند از جمله شعر طوری که از چندین
شاعر هم قبل از جنگ هم هنگام استفاده که کردند که به این بحث میپردازیم . در قریش
اختلافاتی برای بردن زنان در جنگ شد که عده ای موافق و عده ای مخالف بودن ، اینطور
به نظر میرسد که اکثریت با بردن آنها موافقت کردند طوری که هند همسر ابوسفیان میگوید
که در این جنگ حاضر میشود ، ابوسفیان هم وقتی دید که اینگونه است که اکثریت موافق
هستند با حضور آنها موافقت کرد (المغازی) این نشاننده ان است که سیاست ان موقع
اینگونه بوده که وقتی اکثریت نظری داشته اند رهبر هم با آنها موافقت میکرده .

به هر حال سپاه قریشیان راه افتاد در حالی که زنان دف میزند و هلله میکردند شاعران شعر
میخواندند و از این قبیل . نوشته شده که فرزند عبدالمطلب نامه ای برای پیامبر کتابت کرد
که حرکت سپاه قریش و تعداد و اطلاعات لشگر در ان نوشته شده بود که مردی غفاری ان
را به سرعت به پیامبر برد (انساب الاشراف) .

قریش به راه خود ادامه داد تا به دامنه ی کوه عینین رسید و انجا مستقر شد ، قریشیان بسیار
به سپاه خود مطمئن بودند و اعتقادشان این بود که مسلمانان دو راه بیشتر ندارند یا داخل
شهر میمانند که در این صورت هم زمین هایشان نابود میشود هم بسیار چیز های دیگر یا
اینکه بیرون شره میایند و در صحرا مبارزه میکنند که به دلیل تعداد بیشتر قریش ، اعتقاد
داشتند که پیروزی با آنها است . (المغازی) در میان مسلمانان اختلاف شد که ایا جنگ داخل
شهر باشد یا بیرون از شهر که هر کدام استدلال هایی برای نظر خود داشتند که پیامبر نظر

اکثریت را پذیرفت یعنی جنگ در خارج از شهر ، امیرالمومنین هم همین نظر را داد و فرمود :
هیچ قومی در خانه اش نجنگید مگر آنکه دلیل شد .

حرکت سپاه اسلام

سپاه اسلام عصر جمعه حرکت کرد و در جایی برای استراحت توقف کردند در انجا پیامبر
افراد کم سن را از سپاه جدا کرد (طبقات الکبری) در ان هنگام عبدالله بن ابی با گروهی از
سپاه جدا شدند و به این بهانه که پیامبر حرفشان را در شورا نپذیرفت همراه گروه ۳۰۰ نفره
خود به مدینه بازگشت . بدین سپاه اسلام از آنکه بود هم کمتر شد به ۷۰۰ تن رسید اما
حضرت رسول حتی پشت سر خود را هم نگاه نکرد . (سیره النبویه)

مشرکان به دامنه ی کوه احد آمدند و مسلمانان از سمت چپ آنان به سوی بالای کوه رفتند
و در شعبی مستقر شدند (سیره النبویه) کوه عینین که بعد ها جبل الرماه یعنی کوه تیراندازان
نامگذاری شد سمت چپ مسلمانان بود مدینه رو به روی مسلمانان اما پشت مشرکان
(المغازی) حضرت رسول عبدالله بن جبیر را با پنجاه نفر به کوه عینین فرستاد .

پرچم مهاجران در دستان تنومند و نازنین حضرت امیر علیه السلام بود ، پرچم انصار اوسی
در دست اسید بن حضیر و پرچمدار انصار خزرجی حباب بن منذر بود . (المغازی) و از
اسخاص برجسته سپاه شرک خالد بن ولید بود .

پیامبر عزیز جندین و چند مرتبه به تیراندازان کوه عینین تاکید کردند که از کوه تکان نخورند
و هر اتفاقی افتاد همان جا بمانند حتی اگر سپاه شکست خورد با پیروز شد . (المغازی)
همان چیزی که پیامبر از ان میترسید رخ داد و مشرکان کوه عینین را دور زدند و از پشت
کوه عینین به مسلمانان حمله کردند .

جنگ با تیراندازی ها شروع شد و طی ان قبیله هوزان از سوی مشرکان عقب نشست)
طبقات الکبری) جنگ سخت تر شد و تن به تن ، اولین پرچم دار و صاحب لوای مشرکان
طلحه بن ابی طلحه بود که با حضرت امیر علیه السلام رو در رو شد و نبردی نه چندان
طولانی بین ان دو در گرفت که حضرت با ضربه فرق سرش را تا ریش وی شکافت . علم
دست برادر طلحه یعنی عثمان افتاد (المغازی) اما حمزه بر او یورش برد و او را به درک

واصل کرد ، نوبت به ابوسعید بن ابی طلحه رسید که باز هم امیرالمومنین او را به درک واصل کرد (سیره النبویه)

مسلمانان زمانی که شاهد این پیروزی را در ابتدای جنگ بودند بسیار مسرور و هیجان زده شدند ، در سپاه اسلام این فضا راه افتاد که پیروزی نسیب آنان است و همینطور در لشکریان قریش عکس این اتفاق افتاد و نا امیدى بر آنان چیره شد طوری که بسیاری از لشکر فراری شدند از زنان و شاعران گرفته تا مردان جنگی ، اما نباید چنین تصور کرد که دشمن کامل منهزم و متفرق شد چراکه خالد از شرق عینین تدارک حمله میدید ، در این هنگام جو زدگی و هیجان زدگی سپاه اسلام باعث شد که موقیت جنگی خود را رها کنند و با خیال اینکه پیروز نبرد شدند بیخیال جنگ و قریشیان شدند و سرگرم غنائیم و ... و از جمله این لشکریان کمانداران روی عینین بودند که با وجود انهمه تاکید پیامبر باز هم موقیت خود روی کوه را رها کردند و پایین آمدند . در همین هنگام خالد که این حالت مسلمانان را دید و متوجه خالی شدن کوه از تیراندازان شد درنگ نکرد و بدان سو حمله برد ؛ (طبقات الکبری) اینبار عبدالله بن جبیر با یارانش که کمتر از ده نفر بودند مقاومت کردند تا به شهادت رسیدند سپس دشمن بر سر مسلمانان پراکنده ای ریخت که امادگی هیچ چیز را نداشته اند که حتی خیل کثیری از مسلمانان از میدان نبرد گریخته اند .

اوضاع به قدری اشفته بود که مسلمانان بر یکدیگر شمشیر میزدند در همین حین فردی از قریش مصعب عمیر را به شهادت رساند اما فردی که او را شهید کرده بود خیال کرد که وجود نازنین رسول الله را به شهادت رسانده این خبر پیچید و مشرکان روحیه ای مضاعفی گرفتند و از طرفی مسلمانان پراکنده تر و اشفته تر شدند در این بین کعب بن مالک پیامبر را دید و خواست که این خبر را جار بزند اما پیامبر جلوی او را گرفت (سیره النبویه) مشرکان که دریافتند که پیامبر به شهادت رسیده در ادامه جنگ سست شدند و گمان کردند که دیگر پیروز نبرد شدند و دیگر جنگ و تعقیب مسلمانان فایده ای ندارد ، ابوسفیان چندی در بین اجساد و ابدان دنبال بدن مطهر پیامبر گشت اما چیزی پیدا نکرد در همین خالد به او گفت که پیامبر را دیده که به همراه چند تن از اصحاب از کوه بالا میرود ، ابوسفیان دریافت که آن خبر شایعه و کذب بوده . پس از آن مسلمانان بالای کوه رفته اند و جنگ خاتمه یافت .

پیامبر به حضرت امیر دستور داد که قریشیان را دنبال کند تا مطمئن شود که به مدینه حمله میکنند یا نه. در این جنگ حضرت حمزه سیدالشهدا شهید شد و به طرز ناجوانمردانه ای شهید و سپس مثله شد و مصعب بن عمیر و حنظله پسر ابو عامر هم به شهادت رسیدند. بعد از جنگ وجود نازنین حضرت فاطمه ی زهرا سلام الله علیها با گروهی به زمین نبرد آمدند برای کمک به زخمی ها و بردن شهیدان؛ شست و شوی زخم ها، مرحم گذاری و هرگونه کمکی به مردان جنگ، حضرت فاطمه ی زهرا زخم های پیامبر را شست و شو میداد و به او کمک میکرد.

این غزوه درست است در میان موفقیت ها و پیروزی های باشکوه اسلام یک شکست بزرگ محسوب میشود و زیان های زیادی به بار آورده و حتی مسلمانان را سرافکنده کرد اما نکات بسیار مهم و حائز اهمیتی دارد که صد در صد در خطی که اسلام در پیش گرفته به کار میاید و باید از این اتفاق عبرت گرفت و در راه تمدن نوین فراگیر اسلامی از آن استفاده کرد، نه تنها این جنگ بلکه تمامی جنگ های پیامبر نیز اینگونه هستند چه غزوه چه غیر غزوه، نه تنها جنگ ها بلکه تمام اتفاق های زمان پیامبر و ائمه تک به تک و ثانیه به ثانیه عمر پر خیر برکت معصومان باید سر لوحه مسلمانان باشد در راهی که اسلام در پیش گرفته.

در این زمینه چه بسیار کتاب و چه بسیار مقالاتی که نوشته اند و به خوبی بررسی کردند و به نکات مهم و برجسته این غزوه پرداخته اند مانند:

__ جایگاه حضرت امیر: پر واضح که حضرت امیر المومنین علیه السلام پر رنگ ترین شخصیت این جنگ بود. پیامبر کار های کوچک و بزرگ را به او میسپارد و روشن است که چه اعتمادی به او دارد، در تمامی عمر پیامبر اینگونه بوده و حضرت علی تنها امیر مومنان معتمد ترین فرد نزد پیامبر بوده، حضرت امیر تا پایان جنگ همراه پیامبر بود و چندین زخم کاری بر بدن نازنین حضرت زده شد اما باز هم تا پای جان ایستادند، حضرت امیر را روی کوه ندیده اند که فرار کند... پیامبر همیشه کارها را به دست او میداد چون به او از همه بیشتر اعتماد داشت مانند همین آخرین کار که پیامبر حضرت را فرستاد که ببیند که قریش به مدینه حمله میکند یا نه ...

__ جایگاه اطاعت پذیزی و دلیل سرباز زدن کمانداران کوه عینین از فرمان پیامبر : پر واضح است که هر کس هر جا در هر نظام و تشکیلات هست یکی از مهم ترین عناصر بقای وی و ان تشکیلات اطاعت پذیری است ، اطاعت پذیری از امر فرمانده و ولی ، که ما باید از ان اطاعت کنیم و وظیفه ی ما انجام امر اوست هر چه که باشد ، بگذریم که چقد پیامبر تاکید کردند به کمانداران کوه برای موقعیت و جایگاهشان . و دلیل این نافرمانی از امر مقدس پیامبر چیزی نیست جز هوای نفس آنان که به هوای غنائم جایگاه خود را رها کردند . و هزاران البته که عبدالله جبیر با کمتر از ده نفر همان جا ایستاد و جنگید با شکوه و حماسه به شهادت رسید که نشان از شخصیت بزرگ وی دارد اما اگر کمانداران جایگاه خود را رها نمیکردند این اتفاق نمیفتاد .

__ عدم جنگ در شهر : یکی دیگر از مهم ترین نکات این جنگ نجنگیدن در شهر بود که در اخر پیامبر تصمیم گرفت که خارج از شهر بجنگند و جمله زیبای حضرت امیر که فرمود : کسی در شهر نجنگید مگر آنکه دلیل شد ؛ البته این میتوان در وصف آنان باشد که نظرشان جنگ در شهر بود و در اخر گمراه شدند و حکم کلی نباشد ...

__ پذیرفتن رای اکثریت : این یک نکته بسیار بزرگ و مهم مدیریتی ست که اگر هم رای پیامبر جنگ در شهر بود باز هم رای اکثریت را پذیرفت ، این نکته نشاننده این است که مدیر قبل از باید خود مدیر باشد باید نگران جلوه ی خود نزد نیرو ها و زیر دستان خود باشد زیرا که زمانی میتواند به خوبی مدیریت کند که نیرو ها به خوبی کار خود انجام دهند و به وظیفه خود دل بدهند و این زمانی محقق میشود که مدیر نزد نیرو های خود محبوبیت ، اعتماد و هر چه که در پرستیژ مدیر به او کمک میکند را داشته باشد و پیامبر این را میدانست که اینگونه رفتار میکرد یعنی رای اکثریت را پذیرفت زیرا اگر با وجود اینکه رای اکثریت جنگ در خارج از شهر است فرمان به رای مخالف میداد و دستور میداد که در شهر بماند ممکن باعث ناراحتی و سرخوردگی نیرو ها بشود و نیرو ها به خوبی وظیفه خود را انجام ندهند اما پیامبر با سیاست مدیریتی خویش این امکان را از بین برد .

_ واکنش پیامبر به شهادت خویش: گفته شد که این شایعه که پیامبر شهید شده است بین میدان نبرد پخش شد قریشیان جنگ را رها کردند درست است که مسلمانان با شنیدن این خبر سرخورده شده و نا امید اکثرا فرار کردند اما مصلحتی بزرگتر پشت این سیاست پیامبر نهفته بود و آن اینکه قریشیان به هوای اینکه دیگر وجود نازنین پیامبر را از بین بردند جنگ را رها کردند و پیامبر با این سیاست جان چندین و چند مسلمان را نجات داد و باعث زنده ماندن آنان شد .

و نکات بسیار دیگر که از قدم حکیمانه پیامبر و اصحاب راستین پیامبر میتوان نکاتی دریافت که در تمام زندگی از آن ها استفاده کرد

و اما تمامی اینان نکات بسیار مهمی بودند که اشاره شد و قبل ها هم در بسیاری از مقالات بدان پرداخته شده بود ، این ذره ای از اهمیت آنان کم نمیکند و بلا شک بررسی و تحلیل این نکات و اتفاق ها همواره درس عبرتی راه گشا برای زندگی ما و خط اسلام بوده است ... اما هنگام بررسی جنگ به نکاتی دیگر بر میخوریم که مقداری خفی هستند و کمتر پیدا شده است که بدان پرداخته باشند ، اتفاقاتی که بسیار در سیر جنگ مهم بوده و تاثیر غیرقابل تصویری بر جنگ گذاشته و بی نهایت مهم و تاثیر گذار هستند که قصد داریم در پایان این مقاله از آن صحبت کنیم :

_ برای روشن شدن بحث مقدمه ای عرض کنیم : در تعریف اصطلاحی رسانه چنین آمده : اسم مکان یا اسم الت یا اسم فاعل مصدر رساندن (ایینه جادو شهید اوینی) ؛ یعنی هر مکان یا وسیله یا چیزی که چیزی اعم از پیام ، حس یا ... به چیز دیگری میرساند رسانه گویند ؛ پس با این تعریف خیلی چیز ها وارد میشوند مانند لحن صحبت کردند !! الان به اشتباه دچار مغلطه ای شدیم که فقط به فضای جازی ، سینما ، تلویزیون ، تئاتر یا موضوعاتی از این قبیل رسانه گوئیم اما این کاملا اشتباه است رسانه بسیار عام است و خیلی از موضوعات را در برمیگیرد که با استفاده از نکات در آن موضوعات میتوان حکم کلی داد و داخل دیگر رسانه ها از آن استفاده کرد ... به عنوان مثال حتی زمان وجود نازنین رسول الله هم رسانه بوده و مانند همیشه قدرتمند هم بوده و یکی از مهم ترین عناصر مدیریت بوده مانند شعر ها ؛ شعائر یکی قدرتمند ترین و تاثیر

گذار ترین ابزار رسانه بوده به طوری که خلفا و هزینه های هنگفتی برای سرودن اشعاری به موضوعات دلخواه خود میدادند ، یا از ان تاثیرگذار تر خطبه ها ؛ خطبه ها از شعر هم قدرتمند تر و مهم تر بوده به طوری که مثلا خطبه ی هر روز را اکثریت مردم شرکت میکردند ، به طوری که معاویه لعنت الله علیه وقتی میخواهد شخصیت حضرت امیر را خدشه دار کند دستور میدهد که بر روی منبر به حضرت ناسزا گویند ، وی میتواندست راه دیگری را برگزیند اما میدانست که خطبه ها تاثیرگذار ترین رسانه ی ان زمان است ، با نگاه به خطبه های ائمه از جمله حضرت امیر هم میتوان به راحتی این را فهمید ، رسانه های تاثیرگذار دیگری را هم میتوان نام برد از جمله ادعیه یا حرکات و تصمیمات رسانه ای و ...

و اما احد ...

احد هم از این قاعده مستثنی نیست و اقداماتی هم از طرف پیامبر و هم از طرف قریشیان صورت گرفت که نهایت سیاست رسانه ای بود اند که هم باید از انها عبرت و از ان مهم تر اینکه میتوان از انها در رسانه حکم کلی داد و در بطن رسانه از ان استفاده کرد یعنی در خود ابزار رسانه که ما به سه نکته رسانه ای احد اشاره میکنیم که یکی از اینها با بقیه متفاوت است که خواهیم گفت ...

_ اولین نکته شاعران و شعر بود که قریشیان از ان استفاده کردند ، قریش میدانست که فضای غالب بر مردمان قریش از اهم مهمات است جوی که بین انها رواج دارد چقد تاثیرگذار در روند جنگ خواهد بود ، نوع احساس سپاهیان چقدر میتواند به انها کمک کند فلذا برای هیجانی کردن مردم سانتیمانثال قریش شاعران را اجیر کردند و برای این کار هزینه کردند و احتمالا این هزینه کم هم نبوده ؛ همانطور که گفته شد ان زمان شعر از تاثیرگذار ترین رسانه های موجود بوده و قریشیان این را فهمیدند و از ان به خوبی استفاده کردند و احساسات مردم به وسیله این رسانه عظیم و تاثیر گذار گداخته شد ، اینطور بود که لشکر قریش به این تعداد رسید . قریشیان در ادامه هم از این شیوه استفاده کردند و شاعران را با خود بردند تا ذره ای و کمتر از ذره ای از هیجان سپاهیان کاسته نشود بلکه افزوده هم بشود . که اینگونه هم شد و این شور شوق تا اخر با

قریشیان بود. قریش این رسانه رو به خوبی دریافت و به خوبی از آن استفاده کرد، قریش به خوبی میدانست که در نبرد قلب ها و ذهن ها قطعا قلب و احساس پیروز میشود و این همان موضوعی است که امروز غرب و تمدن به خوبی آن را دریافته است و شاهد این هستیم که غرب چه سرمایه های هنگفتی برای رسانه خرج میکند که نتیجه آن هم دیده است و ما هم دیده ایم اما ما در مسیر تمدن نوین اسلامی چقدر برای هزینه میکنیم؟ چقدر سرمایه میدهیم؟ چقدر نیرو میدهیم؟ چقدر کار میکنیم؟

قریش این را دریافت و از آن استفاده کرد و در نبرد قلب ها و ذهن ها پیروز شد

__ دومین مسئله که مورد بررسی قرار میدهیم موضوعی است که در بطن جنگ و در میدان نبرد احد قرار داشت، نه تنها در احد بلکه هر جنگی مسیله ای مهم وجود دارد به نام "علم" یا لوا که کار رسانه ی جنگ را بر عهده دارد. لوا در هر جنگ رسانه ی سپاه از خود نقش و حالت علم گرفته تا جایی که میروود و کسی که آن را بر دست میگیرد؛ لوا هرکجا برود محتوایی دارد، هر حرکتی کند مضمونی دارد که سپاه آن را متوجه میشود و حرکات خود را با آن تنظیم میکند، لوا برنامه ی سپاه را در بردارد و از طرفی دیگر لوا و صاحب لوا میتواند که در هیجان، احساس و انگیزه سپاهیان نقش اول را بازی کند علم و علمدار نشان سپاه است و حال اگر نیرو ببینند که علمدار میتازد و دلاوری میکند انگیزه ی آنها چندان میشود. حال همین است که حضرت امیر چند باز سراغ علمدار و صاحب لوا میروود و دو تن از آنها را به هلاکت میرساند، حضرت حکیم است و حکیمانه رفتار میکند، حضرت متوجه این است که چقدر این علم تاثیرگذار است حضرت با حمله به علمدار به احساسات قریش یورش میبرد، حال قریشیان اند که میبینند حضرت چگونه علمداران که نشان سپاه است از بین میبرد و قریشیان اند که از لحاظ انگیزه به یغما میروند.

حال قریشیان هم متوجه این مسئله هستند که حرکتی میزنند که این امر را خنثی کند، قریشیان اقدامی را انجام دادند که ما آن را ذکر نکردیم چون در منابع اندکی که بررسی کردیم آن را نیافتیم اما حجت الاسلام سید بهاءالدین ضیایی که بسیار در زمینه تاریخ عمیق تحقیق کردند و میکنند این مسیله را میفرمود که قریشیان بعد به هلاکت رسیدن

چند صاحب لوا ، لوا را به دست زنان قریش دادن و با این اقدام رسانه ای مسلمانان که مظهر غیرت هستند دیگر سمت علمداران نرفتن ...

این مطلب اخیر که ذکر شد با نکته و اتفاق رسانه ای آخری که قصد ذکر آن را داریم بی ربط نیست ، همان نکته ای که عرض شد با بقیه متفاوت است :

_سومین نکته که با بقیه متفاوت است زنان قریش است ؛ قریشیان دقیقا اقدامی که بوسیله شاعران صورت دادند بوسیله زنان قریش هم انجام دادند یعنی آنان را برای روحیه ی سپاه و هیجان سپاه آوردن تا بر احساسات آنها غلبه کنند که کردند و تمام مطالبی که انحا عرض شد ایجا هم صادق است . اما تفاوت کجاست ؟

مسئله ، مسئله ی ارزش است ، مسئله ی درست بودن است ... این حکم کلی بزرگ و مهم است که نه تنها در اینجا بلکه در کل رسانه و حتی بیشتر هم مورد استفاده است . این اقدام بی ارزش است ، این فعل رسانه ای تاثیر گذار بی ارزش است پس نباید مورد اعتنا قرار بگیرد و حتی نباید صورت بگیرد . اما چرا ؟ چرا بی ارزش ؟ در جواب این سوال خوب باید چنین گفت : انسان همگی ضعف دارند ، جملگی روی یک سری چیز ها ضعیف اند و این قابل انکار نیست ، یکی این ضعف ها ضعف مردان مقابل زنان است ، و حال استفاده اینگونه از ضعف ، استفاده صرف از ضعف فطرتا بی ارزش و نادرست ، دقیقا مانند زخمی است که مردان جملگی دارای آن هستند و حال فردی انگشت روی آن زخم میگذارد و آن را فشار میدهد بالطبع مردان به آن واکنش نشان میدهند ولی آیا این واکنش ارزشمند است ؟ آیا آن فرد میتواند به عنوان یک کار ارزشمند به این فعل خود ببالد ؟ هرگز ... ! او صرفا از ضعف آنها استفاده کرده و این کار فطرتا بی ارزش است همانطور که مصحف عزیز در ایه ۱۲۵ سوره نحل میفرماید : مردم را دعوت کن (همان رسانه) بوسیله حکمت و ... ان احساس ، واکنش و ... باید روی حکمت بنا شود ، بنا برا دلیلی ارزشی باشد نه اینکه ضعف گروهی .

نکته انجا مهم تر میشود که بوسیله این مسئله حکم کلی میدهیم . این حکم که " همه چیز باید روی حکمت و دلیل بنا شود " و از آن استفاده میکنیم به عنوان مثال در رسانه ؛ هنری که روی حکمت بنا نشود و دلیل ارزشی نداشته باشد هرچقدر هم که زیبا ،

هیجان انگیز و تاثیر گذار باشد فایده ای ندارد زیرا که ارزش ندارد به عنوان مثال فیلم های پورن ، اگر تعبدی به قضیه نگاه نکنیم حقیقتا فیلم های پورن چه مشکلی دارند ؟ ایا اگر شرعا حرام نبود انها فیلم های خوبی بودند؟ ایا مسیله غیر مسیله حکمت و ارزش است ؟ قطعا خیر ، دقیقا فیلم ها پورنوگرافی هم مانند قریشیان دست بر زخم کاری مردان میگذارد و ان محکم تر میفشارد ، و قطعا احساسات انها برانگیخته میشود ، ولی ایا میتوان به عنوان یک اثر خوب از انها یاد کرد ؟ جواب همگی خیر است به همان دلیل که عرض شد ... همه چیز باید روی حکمت بنا شود ...

حتی میتوان به قضیه یه صورت خاص تر هم نگاه کرد و در خیلی جاها مخصوصا فیلمنامه از ان استفاده کرد که این خود مقاله ای جدا بود مفصل تر میطلبد که در فیلمنامه و ... همه چیز باید روی حکمت بنا شود .